

پیر طالقان

روش تفسیری پرتوی از قرآن

www.ketab.ir

دکتر عبدالوهاب شاهرودی

فخرالسادات رهبرنیا

سرشناسه	: شاهرودی، عبدالوهاب، ۱۳۳۵ -
عنوان و نام پدیدآور	: پیر طالقان و روش تفسیری پرتوی از قرآن / عبدالوهاب شاهرودی، فخر السادات رهبرنیا.
مشخصات نشر	: تهران: مدید، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۵۳۴ ص: ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
شابک	: 978-622-7441-75-8
وضعیت فهرست نویسی	: نیا
یادداشت	: کتابنامه.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: طالقانی، سید محمود، ۱۲۸۹ - ۱۳۵۸.
موضوع	: طالقانی، سید محمود، ۱۲۹۸-۱۳۵۸. پرتوی از قرآن -- نقد و تفسیر
موضوع	: تفسیر شیعه -- قرن ۱۴
موضوع	: Qur'an -- Shiite hermeneutics -- 20th century
شناسه افزوده	: رهبرنیا، فخر السادات، ۱۳۳۷ -
شناسه افزوده	: طالقانی، سید محمود، ۱۲۹۸-۱۳۵۸. پرتوی از قرآن. شرح
رده بندی کنگره	: ۹۸۸BP
رده بندی دیویی	: ۱۷۹/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۴۲۱۵۴۵
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: نیا



پیش طالقان

روش تفسیری پرتوی از قرآن

نویسندگان: دکتر عبدالوهاب شاهرودی

فخرالسادات رهبرینیا

نوبت چاپ: اول، پاییز ۱۴۰۰

انتشارات: مدید

چاپ و صحافی: روز

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱۵۰ هزار تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۴۴۱-۷۵-۸

حق چاپ و نشر برای مؤلف محفوظ است
آدرس انتشارات: میدان انقلاب، اول خیابان کارگر جنوبی،

خیابان مهدی زاده، پلاک ۳۴، واحد شش

تلفن: ۰۹۳۹۵۰۸۴۰۷۱-۸۸۳۴۵۴۹۹

فهرست مندرجات

۱۷	مقدمه: کلیات (شولاپوش آزاده)
۲۲	۱. نهضت بازگشت به قرآن
۲۶	۲. رویکرد علمی
۲۹	۳. رویکرد اجتماعی
۵۱	فصل اول: سوانح ایام (مناره‌ای در کویر)
۵۳	۱-۱. سرگذشت پدر
۵۶	۱-۲. ولادت
۵۸	۱-۳. صباوت
۵۹	۱-۴. تحصیلات
۶۲	۱-۵. مبارزات
۶۲	۱-۵-۱. نخستین زندان و بازداشت
۶۳	۱-۵-۲. تفسیر در مسجد هدایت
۶۴	۱-۵-۳. تشکیل انجمن‌ها، کانون‌ها و مجله‌ها
۶۶	۱-۵-۴. راه‌اندازی انجمن‌های اسلامی
۶۷	۱-۵-۵. شرکت در کنفرانس‌های خارجی

- ۶۷..... ۱-۵-۶. سخنرانی در رادیو.....
- ۶۹..... ۱-۵-۷. حضور در آذربایجان.....
- ۷۰..... ۱-۵-۸. حمایت از نهضت ملی شدن صنعت نفت.....
- ۷۲..... ۱-۵-۹. پناه دادن به فداییان اسلام.....
- ۷۴..... ۱-۵-۱۰. تشکیل نهضت آزادی ایران.....
- ۷۵..... ۱-۵-۱۱. دستگیری در فراندوم انقلاب سفید.....
- ۷۶..... ۱-۵-۱۲. دستگیری پس از قیام ۱۵ خرداد.....
- ۷۷..... ۱-۵-۱۳. جمع فطره برای مردم فلسطین.....
- ۷۸..... ۱-۵-۱۴. برگزاری ختم شهید آیت الله سعیدی.....
- ۷۸..... ۱-۵-۱۵. دفاع از مبارزات مسلحانه علیه رژیم.....
- ۸۰..... ۱-۵-۱۶. بازداشت در اواسط خرداد ۱۳۵۴.....
- ۸۱..... ۱-۵-۱۷. روزهای انقلابی.....
- ۸۲..... ۱-۵-۱۸. نقش طالقانی در پیشبرد انقلاب.....
- ۸۴..... ۱-۶-۷. ویژگی ها.....
- ۸۶..... ۱-۷-۷. آراء و دیدگاهها.....
- ۸۶..... ۱-۷-۱. تسامح و مدارا.....
- ۸۹..... ۱-۷-۲. طالقانی و شوراها.....
- ۹۲..... ۱-۷-۳. طالقانی و آزادی.....
- ۹۴..... ۱-۷-۴. طالقانی و جوانان.....
- ۹۷..... ۱-۸-۸. آثار و تألیفات.....
- ۱۰۰..... ۱-۸-۱. پرتوی از قرآن.....
- ۱۰۲..... ۱-۸-۲. اسلام و مالکیت.....
- ۱۰۳..... ۱-۸-۳. مقدمه، خلاصه و توضیح کتاب تنبیه الامه.....
- ۱۰۷..... ۱-۹-۹. وفات.....

تا مگر به دست آرم دامن وصالش را
می‌دوم به پای سر در قفای آزادی

مقدمه: کلیات (شولایوش آزاده)

طالقانی در خانه‌ای بالید که دنیا در آن‌جا بزرگ‌تر از دیگر خانه‌های ایرانیان بود. در دنیای او فقط یک دین (اسلام) وجود نداشت، «ادیان دیگر» نیز بود؛ علاوه بر این که تنها دین نبود «سیاست» هم بود و سیاست او هم با «انسانیت» آمیزه‌ای ناگسستنی داشت.

پدر این خانواده از راه «دیانت و سیاست» نان نمی‌خورد بلکه از طریق ساعت‌سازی تأمین معاش می‌کرد و در حقیقت «نان دنیا می‌خورد و کار دین و خدا می‌کرد».^۱

دوره جوانی و نوجوانی طالقانی در رفت و آمد در مجالس «مناظره» و

۱. بنگرید به: عبدالکریم سروش، مدارا و مدیریت، مؤسسه فرهنگی صراط، تهران ۱۳۷۶، ص ۲۲-۶۳ (دو مقاله: «حریت و روحانیت» و «سقف معیشت به ستون شریعت»). در حقیقت، دیانت او با انسانیت و انسانیت او با عدالت و عدالت او با حریت (آزادی) پیوند خورده بود و آزادی در نظر او مقدم بر عدالت و به تعبیر بلندسرور آزادگادن، «عین دین‌داری» او بود.

آشنایی با دیگر ادیان و اندیشه‌ها سپری شد^۱ چنان‌که بعدها در مقدمه‌ای که بر کتاب «انجیل برنابا» نوشت، از این محافل یاد کرد.^۲ او با گشاده‌رویی تمام با آنان مواجه می‌شد و در جذب آن‌ها می‌کوشید و در این کار سراپا توفیق داشت.

علاوه بر این، منزل پدر طالقانی مرکز سیاسیون بود. پدرش با مرحوم مدرس جلسات سیاسی داشت و پسر در میجالس می‌ارزین می‌رفت، به سخنان آن‌ها گوش می‌داد و در چهره‌ها دقیق می‌شد و بعدها خود، از پیش‌گامان مبارزه با رژیم پهلوی و نخستین زندانی سیاسی از میان روحانیون معاصر گردید. چهل سال از این زندان به آن زندان و از این تبعید به آن تبعید رفت، تا از سجن دنیا رست و به لقای دوست پیوست. آری:

هر چند که یک روز خوش از عمر ندیدیم هر روز دگر حسرت دیروز کشیدیم
آزادی ما دام گرفتاری ما بود از بهر قفس بود گر از دام پریدیم^۳
در دوران زندگی با همه سختی‌ها و ناملایمات، سخگ صبور دردمندان

۱. این جلسات در منزل پدر مرحوم مهندس مهدی بازرگان تشکیل می‌شد. محمد اسفندیاری، پیک آفتاب/۲۹.

۲. انجیل برنابا (Barnaba) از جمله اناجیلی بود که به دلایل وجود برخی مطالب [بشارت به آمدن پیامبر اسلام (ص)، عدم قتل مسیح، مسئله فداء، بهشت‌فروشی و ...] مسیحیت رسمی آن را نپذیرفته است. بنگرید به: انجیل برنابا، ترجمه حیدرقلی سردار کابلی، نشر نیایش، تهران ۱۳۷۹، ص ۲۴۴-۲۴۵. جاهلیت و اسلام، چاپ نهم، مدرسه‌الشهداء، تهران ۱۳۷۹، ص ۲۴۴-۲۴۵ و نیز: حسین توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ، انتشارات سمت، تهران ۱۳۸۰، ص ۱۲۹.

۳. سید کریم امیری فیروزکوهی، دیوان، به کوشش امیرانو امیری فیروز کوهی (مصفا)، انتشارات سخن، تهران ۱۳۶۹.

بود؛ گویا رنج تمام ستم‌دیدگان و محرومان را بر دوش می‌کشید. او تفسیر: «دردمندی، روشن‌گری، آزادگی، تسامح و مدارا و مبارزه با ظلم» بود. به قول نویسنده معاصر مسیحی لبنان، مارون عبّود، در قصیده‌ای سرشار از مضامین عالی خطاب به پیامبر اکرم (ص):

و كذا النبوة حكمة و تمرّد و تقى و الهام و فرطُ حنان
 هي ذلك الروح تتقمّصُ الأبطال لِلْحَدَثِ الْعَظِيمِ الشَّانِ
 تلقى على الأعداء شيكِنها قَدَفَمَهُمْ فَيَفْجَرُونَ كَأَثَرِ كَانِ
 «نبوت بر چند رکن و مؤلف از چند عنصر است: یک رکن، «حکمت» (رازدانی) است و دیگر، «تمرّد» (رام‌نبودن برابر مشکلات و مخالفت‌ها) است و «تقوا» و رکن چهارم، «شفقت و دل‌سوزی بی‌کران بر مردم» می‌باشد. نبوت جامه‌ای است که پهلوانان و قهرمانان بر خود می‌پوشند و آمادۀ کارزارهای بزرگ مانند آتش‌فشان هستند».^۱

او یک تنه، جامع اضداد بود؛ الف‌فقدی که رنج اعیان و دردکشیدگان را بر خود تحمل می‌کرد.^۲ درست گفت متنّبی:

۱. عبدالکریم سروش، همان/۲۸۹.

۲. او پیامبرگونه، عصا و نور به دست گرفت تا حقوق مظلومان را استیفا کند و معنای حقیقی «علم و عالم» به تعبیر بلند امام آزادگان (در خطبه شفشقیه) همین است: «عدم سکوت در برابر ظلم». نه تنها کوله‌باری از اصطلاحات، عالم یعنی دغدغه حقوق انسان داشتن، تا از این ره‌گذر او را به ابدیت و عالم معنا (هدایت) رهنمون شود. پیام‌آوران، مجسمه حق‌خواهی و درد و رنج مردم بودند و این یکی از علل دل‌بردگی آن‌ها از طرف مردم بود. آری! «اقلیم دل به زور مسخر نمی‌شود». می‌دانم که امروز عده‌ای نشسته‌اند و نویسنده را متهم به این می‌کنند که در افکار ایدئولوژیک و چپ‌روانه دهه‌های ۵۰-۱۳۳۰ می‌اندیشد و حتی مرحوم شریعتی و طالقانی را نیز

وَ إِذَا كَانَتْ الْفُؤُوسُ كِبَاراً تَعَيَّتْ فِي مُرَادِهَا الْأَجْسَامُ^۱

مردی بی بدیل، سواری بی همتا، با عزمی پولادین، چهره‌ای پرصلابت و وجودی سراپا درد، به قول کلیم کاشانی:

شد عمرها که نگرفت یک ست جای منصور

آری کمان حلاج مانده ست ناگشایده^۲

زندگی پر تب و تاب و پرماجرایی طالقانی چیزی جز تفسیر «دردمندی» او نبود^۳ دردی متعالی و مقدس و پیامبرگونه که تا مغز استخوانش رسوخ کرده بود. او تنها به «کفر» حساسیت نداشت و توجهش به کفر موجب غفلت او از «ظلم» نشده بود. آری! لحظه لحظه حیات او تا پایان زندگی در مبارزه با ظلم سپری شد.^۴

به این اندیشه متهم می‌گردانند ولی باکی نیست از انتخاب می‌کنم که بازگوکننده حقیقت و دنباله‌روی آنانم.

۱. ابوالطیب متنبی، شرح الدیوان ۳-۶۴/۴.

۲. ابوطالب کلیم کاشانی، دیوان کامل کلیم کاشانی، با مقدمه و فرهنگ لغات مهدی افشار، انتشارات زرین، تهران ۱۳۶۲، ص ۲۷۱.

۳. آری! گویی بین «درد» و «مرد» قافیه و رابطه‌ای عمیق است؛ هرکه پر دردتر، مردتر (و رخ زردتر) ولو صاحب این درد، نه مرد که زن باشد. این زن، بزرگ تاریخ است (مانند رابعه). به قول عطار:

تو رها کن سر به مهر این واقعه مرد حق شو روز و شب چون رابعه

او نه یک زن بود او صد «مرد» بود از قدم تا فرق عین «درد» بود

فریدالدین عطار نیشابوری، منطق الطیر، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ هشتم، انتشارات سخن، تهران ۱۳۸۹، ص ۲۵۷.

۴. زندگی کوتاه هفت ماهه او پس از انقلاب اسلامی، به مبارزه با تنگ‌نظری‌ها، خودخواهی‌ها و فرصت‌طلبی‌ها و در یک جمله: «استبداد در قالب دین» و «زور در لباس تزویر» گذشت. او یک